

## عوامل و راهبردهای کاهش سن ازدواج

به نظر می‌رسد دیگر زمان دادن راه حل تمام شده و باید در مسیر عملی ساختن این راه حل‌ها قدم برداشت؛ تنها راه رهایی از این مشکل آن است که ملت و دولت دست به دست هم دهند و با برنامه ریزی‌های کلان فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، سعی در رفع این مشکل بزرگ داشته باشند.



به نظر می‌رسد دیگر زمان دادن راه حل تمام شده و باید در مسیر عملی ساختن این راه حل‌ها قدم برداشت؛ تنها راه رهایی از این مشکل آن است که ملت و دولت دست به دست هم دهند و با برنامه ریزی‌های کلان فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، سعی در رفع این مشکل بزرگ داشته باشند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری رسا، افزایش سن ازدواج یکی از معضلات مهم جوامع بشری است؛ چرا که با افزایش سن ازدواج، جوانان از شیوه بهنجار ارضای غریزه جنسی و آثار و فواید آن محروم می‌شوند. در جوامع گذشته، پسران و دختران با رسیدن به سن بلوغ، یا کمی پس از آن، اقدام به ازدواج می‌کردند و مجرد ماندن یک نقص اجتماعی محسوب می‌شد؛ اما با پیچیده تر شدن جوامع و ایجاد خواسته‌ها و انگیزه‌های کاذب، ذائقه اجتماعی تغییر یافت و به طبع این تغییر ذائقه، نیاز طبیعی و غریزی به ازدواج را سرکوب و این روند، تا جایی پیش رفته که امروزه در بعضی جوامع غربی، جوانان به کلی از ازدواج سرباز زده‌اند و آن را مانعی برای آزادی خود تلقی می‌کنند و تنها زمانی به ازدواج روی می‌آورند که نشاط جوانی را از دست داده و نیازمند یک پرستار یا مراقب هستند.

متأسفانه این فرهنگ اشتباه جوامع غربی، جامعه اسلامی ما را نیز تحت تأثیر خود قرار داده، به گونه‌ای که روند رو به رشد سن ازدواج در کشور، مشکلات فراوانی به دنبال داشته است؛ مشکلاتی مانند افسردگی و از بین رفتن نشاط در جوانان، ابتلا به وسواس زیاد در انتخاب همسر، مشکل آفرینی فرزندان بزرگ و ازدواج نکرده در خانه، افزایش اضطراب و نگرانی به خصوص در دختران، بلا تکلیفی، از دست رفتن طراوت و زیبایی، ناامیدی و تصمیم به عدم ازدواج به خاطر کاهش میل به آن، بی‌دقتی در انتخاب همسر، احتمال افزایش انحرافات و ده‌ها مشکل از این قبیل که جوانان ما را به چالش کشانده است. (1)

از این رو، بر همه مسؤولان و دست‌اندرکاران مسائل اجتماعی لازم است به این مسأله به عنوان یک مشکل فوریتی نگاه کرده و همه همت و تلاش خود را برای رفع آن به کار گیرند.

## سن مناسب ازدواج از دیدگاه اسلام

گرچه در اسلام سن مشخصی برای ازدواج مقرر نشده، اما احادیث منقول از پیامبر اکرم و امامان معصوم (ع) و سیره عملی آن بزرگواران، شواهد گویایی بر اهتمام ایشان در تعجیل امر ازدواج است؛ از نظر قرآن، ازدواج مایه آرامش روح و روان آدمی و خود از نشانه‌های رحمت و بزرگی خداوند است. (2)

تشویق به ازدواج، به ویژه در سن جوانی و کراهت اسلام از تجرد و رهبانیت، در بسیاری از سخنان معصومان (ع) آمده و آثاری مانند بزرگداشت سنت پیامبر (ص) (3)، قرار گرفتن در ولایت و حمایت خداوند (4)، به خشم آمدن شیطان (5)، حفظ و کامل شدن ایمان جوانان (6)، مضاعف شدن ثواب عبادت (7) و زیاد شدن روزی (8) در کلام معصومان (ع) از برکات ازدواج شمرده و از کسانی که اسباب ازدواج جوانان را فراهم می‌کنند، تمجید شده است. (9)

همچنین تجرد و تأخیر در امر ازدواج در بعضی روایات مردود دانسته و تأکید شده که هیچ چیز نباید موجب تأخیر ازدواج شود، حتی فقر. (10)

روایتی مردان بدون همسر را سرزنش می‌کند (11) و تجرد را سبب شرور شدن می‌داند. (12) در روایتی دیگر می‌خوانیم، یکی از حقوق فرزند بر پدر، آن است که پس از بالغ شدن، او را به ازدواج درآورد (13) و در روایت دیگر، به کسانی که صاحب دختر هستند، سفارش می‌کند در ازدواج دخترانشان تعجیل کنند.

امام رضا (ع) می‌فرماید: جبرئیل امین بر پیامبر خدا (ص) نازل شد و عرض کرد ای محمد (ص) پروردگارت به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: دختران باکره مانند میوه درختان هستند و همان گونه که میوه وقتی می‌رسد، چاره‌ای جز چیدن ندارد و گرنه تابش خورشید و وزش باد آن را فاسد می‌کند، دختران باکره هم وقتی به سن بلوغ و ازدواج می‌رسند، چاره‌ای جز ازدواج ندارند و گرنه از گرفتار شدن به فتنه و انحراف، در امان نیستند. آن گاه رسول خدا (ص) مردم را جمع کرد و به منبر رفت و پیام پروردگار عزیز و بلندمرتبه را به آنان ابلاغ نمود. (14) همچنین روایت دیگری بهترین سن ازدواج دختران را ابتدای سن بلوغ می‌داند. (15)

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت اسلام در الگوی مطلوب خود، پایین بودن سن ازدواج را اصل می‌داند و در عین حال، مشکلات ناشی از ازدواج‌های زودهنگام را نادیده نمی‌گیرد و در جهت رفع آن‌ها تلاش می‌کند. (16) روشن است که با گسترش برنامه‌های آموزشی، بهداشتی، فرهنگی و نیز بهبود وضع اقتصادی مردم، بسیاری از این مشکلات مرتفع خواهند شد.

نتایج تحقیقات تجربی وینچ (Robert F. Winch) در جامعه آمریکا نیز تا حدی با این جهت‌گیری همخوانی دارد؛ به گفته وی، مشکل

ازدواج زود هنگام از خود آن برنمی خیزد، بلکه برخاسته از عدم آمادگی برای پذیرش تعهدات ازدواج و نقش های ناشی از آن است؛ از این رو، ازدواج های زود هنگام در دو حالت کاملاً رضایت بخش اند:

1. آن جا که افراد نوجوان آمادگی پذیرش نقش های بزرگ سالان را دارند؛ مانند اعضای قشرهای پایین در جامعه آمریکا که در مشاغل غیرماهرانه یا نیمه ماهرانه اشتغال دارند.
2. آن جا که انتظار نمی رود چنین نقش هایی را بپذیرند؛ مانند اعضای قشرهای بالا که معمولاً از سوی والدین حمایت مالی می شوند. (17)

### عوامل افزایش سن ازدواج

با پیچیده تر شدن جوامع، انتقال از دوره کودکی به بزرگ سالی دشوارتر و مستلزم کسب آموزش ها و مهارت های بیشتری گردیده است. فاصله میان بلوغ جنسی، بلوغ اجتماعی و اقتصادی در جوامع جدید، محسوس تر گشته و خود را در طولانی شدن دوره نوجوانی و افزایش سن ازدواج نشان داده است.

به هر تقدیر، سن ازدواج در هر جامعه ای بر اساس شرایط محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خاص آن جامعه تعیین می گردد. سن ازدواج نه تنها در جوامع گوناگون متفاوت است، بلکه در جامعه ای واحد نیز در طول زمان، ثابت نمی ماند و بر طبق شرایط یاد شده، کم و زیاد می شود. کارشناسان امور اجتماعی عوامل زیادی برای افزایش سن ازدواج عنوان کرده اند که ما این عوامل را در سه بخش عمده، مطرح می کنیم:

### الف) عوامل اجتماعی

زندگی اجتماعی گر چه یکی از ضروریات حیات انسان است، به گونه ای که بشر بدون اجتماع قادر به ادامه زندگی نیست، اما با این حال، اگر در برنامه ریزی و سیاست گذاری اداره جامعه، دقت کافی نشود، مشکلات زیادی به وجود می آید. برخی از عوامل افزایش سن ازدواج به مسائل اجتماعی برمی گردد:

### 1- افزایش جرایم و آسیب های اجتماعی و خانوادگی:

بالا رفتن جرایم و آسیب های اجتماعی و خانوادگی مانند: اعتیاد، بی بند و باری، همسرآزاری، طلاق، روابط سرد همسران، دخالت اطرافیان و مانند آن، نه تنها موجب از هم پاشیدگی خانواده ها شده، بلکه موجب سلب اعتماد جوانان از ازدواج گردیده و سبب شده است جوان امروز ازدواج را به عنوان عامل خوش بختی، نگاه نکند و سرنوشت خود را به کسانی که در دام این آسیب ها گرفتار شده اند، تشبیه کند.

وقتی جوان به اطراف خود می نگرد و ازدواج هایی را می یابد که پس از مدت کوتاهی دچار بحران می شوند و هر یک از پسر و دختر اظهار پشیمانی می کنند که چرا زود خود را در این دام انداختند، انگیزه خود را از دست داده و اجازه نمی دهد آزادی او به خاطر این ست اجتماع به خطر افتد؛ به خصوص در مواردی که افراد در ازدواج شکست بخورند. نسبت به دوستان مجرد خود احساس مسؤولیت کرده و تلاش می کنند آن ها را از دچار شدن به سرنوشت خود باز دارند. در این وضعیت طبیعی است که برخی دختران و پسران جوان تحت تأثیر قرار گیرند و نسبت به ازدواج بدبین شوند.

### 2 - طولانی بودن تحصیلات دانشگاهی:

طولانی بودن مدت تحصیلات دانشگاه و افزایش نسبت دختران به پسران، که بر اساس بعضی آمارها تنها 35/43 درصد کسانی که در کنکور شرکت می کنند، پسر هستند، (18) سبب شده است اولاً، اغلب پسران و دختران تا پایان تحصیلات و بعد هم تا هنگام اشتغال، از ازدواج سرباز زنند. ثانیاً، دختران به علت داشتن تحصیلات دانشگاهی، حاضر به ازدواج با پسران پشت کنکور مانده نباشند و درصد بالایی از آنان بدون همسر بمانند، یا به ازدواج ناخواسته تن بدهند؛ چنان که امروز شاهد این معضل هستیم.

در جوامع سنتی، بیشتر فنون و مهارت ها در خانواده و به صورت غیر رسمی به نسل جدید آموخته می شد و کودکان غالباً وقتی به سن نوجوانی می رسیدند، مهارت شغلی خود را فراگرفته بودند و نیازی نبود پس از بلوغ نیز سالیانی را صرف یادگیری فنون و مهارت های مورد نیاز کنند. اما جوامع جدید چنان پیچیده شده اند که داشتن یک زندگی قابل قبول و متناسب با توقعات جامعه در این گونه جوامع، اغلب مستلزم گذراندن یک دوره بلندمدت تحصیلی است.

کسب مدارک تحصیلی موجب اعتبار اجتماعی و اقتصادی افراد می شود و زمینه استخدام آسان تر آنان را در مراکز اداری، کارخانه ها و مانند آن فراهم می کند؛ بنابراین، جوانان برای این که بتوانند در آینده از موقعیت اجتماعی و اقتصادی بهتری برخوردار شوند، ناگزیرند دهه سوم زندگی خود را نیز برای تحصیل صرف کنند.

اشتغال به تحصیل امکان ازدواج بسیاری از جوانان را از بین می برد؛ چرا که جوانانی که از امکانات خوبی برخوردار نیستند، نمی توانند همراه با تحصیل، هزینه یک خانواده را تأمین کنند؛ تحصیلات عالی برای زنان بیشتر از این نظر اهمیت دارد که موقعیت اجتماعی آنان را افزایش می دهد. زنانی که تحصیلات بالاتری دارند، معمولاً می توانند با مردانی ازدواج کنند که از موقعیت اجتماعی و اقتصادی بالاتری برخوردارند. (19)

### 3 - به هم خوردن توازن دختر و پسر آماده ازدواج در روستاها:

طبق آمارها، به علت مهاجرت پسران روستایی به شهرها برای جست و جوی کار، جمعیت دختران روستایی آماده ازدواج دو برابر گذشته شده است؛ بنابراین، مشکل قبلی، یعنی عدم توازن پسر و دختر، در جوامع روستایی نمود بیشتری دارد. از سوی دیگر، پسران شهری نیز تمایلی به وصلت با خانواده روستایی ندارند و در نتیجه، دختران روستایی شانس کمتری نسبت به سایر افراد دارند. شاهد این مطلب وجود دختران مجرد و با سنین بالا در روستاها است که به انتظار آمدن خواستگار نشسته اند.

### ب) عوامل اقتصادی

یکی از عمده ترین دلایل تأخیر ازدواج از نظر جوانان، عوامل اقتصادی است. در یک گفت و گوی ساده و خودمانی با جوانان، به خصوص پسران، می توان به آسانی فهمید که علت نداشتن تمایل به ازدواج در بیشتر آن ها برخوردار نبودن از شغل، مسکن و تهیه لوازم و ضروریات زندگی و جشن ازدواج است.

در این بین، خانواده های دختران هم مشکل تهیه جهیزیه را سد بزرگی برای ازدواج دخترانشان می دانند؛ به خصوص خانواده هایی که چند دختر با فاصله های سنی کم، پشت سر هم دارند.

هزینه های مالی یک خانواده بسیار گسترده و متنوع است؛ هزینه های مسکن، خوراک، پوشاک، درمان، تفریحات اعضای خانواده، تحصیلات فرزندان، رفت و آمد و مانند اینها. روشن است که تأمین کامل چنین مخارجی تنها در صورتی امکان پذیر است که افراد به مشاغل با درآمد کافی دسترسی داشته باشند. در غیر این صورت، هر چند ممکن است تعداد کمی از جوانان به ازدواج روی آورند و زندگی فقیرانه ای را در پیش گیرند، اما معمولاً افراد ترجیح می دهند تا زمانی که شغل مناسبی به دست نیاورده اند، ازدواج نکنند.

به هر حال، عوامل اقتصادی که در تأخیر ازدواج نقش دارند، به اختصار عبارتند از: تهیه جهیزیه که یکی از رسوم ایرانیان است. تهیه مسکن اگر چه در حد اجاره یک منزل کوچک. بی کاری پسران و نداشتن شغل مناسب و بالا رفتن هزینه های زندگی. این موضوع با قدری تفاوت در رسوم، در سایر کشورها نیز نمود پیدا می کند.

برای توضیح این مطلب، «اداره آمار آمریکا» درباره تغییرات سن ازدواج در بین سال های 1900-1998 گزارش داده است: در سال 1956 میانگین سن ازدواج در این کشور به پایین ترین حد خود رسید (برای مردان 22/5 و برای زنان 20/1 سالگی) و دلیل آن بیشتر این بود که رشد اقتصادی آمریکا پس از جنگ موجب گردید که مردان، به ویژه جوانان، بتوانند به راحتی شغل به دست آورده، درآمد کافی برای اداره خانواده کسب نمایند. از دهه 1960 سن ازدواج رو به افزایش گذاشت و عامل عمده این بود که دست مزد مردان جوان، به ویژه کسانی که از تحصیلات کمتری برخوردار بودند، کاهش یافت. این نتیجه گیری با تحقیقاتی که در کشورهای دیگر، مانند ژاپن و هندوستان، انجام گرفته نیز تأیید گردیده است. (20) بنابراین، عدم توان اقتصادی کافی انگیزه ازدواج جوانان را پایین می آورد و اجازه نمی دهد آنان در سن پایین ازدواج کنند.

اما گاهی داشتن توان اقتصادی مانند داشتن شغل، مانع ازدواج می شود و آن در صورتی است که دختران شاغل باشند. بسیاری از دخترانی که شغلی برای خود دست و پا می کنند و مشغول به کار می شوند، رغبت خود را نسبت به ازدواج از دست می دهند. دلایلی که موجب کاهش میل آن ها به ازدواج می شود عبارتند از:

1. دختران وقتی شاغل می شوند، توان اقتصادی شان بالا می رود و به استقلال اقتصادی می رسند. از آن جایی که یکی از انگیزه های دختران برای ازدواج، نیاز اقتصادی است و از مجرد ماندن خود احساس سربار خانواده بودن دارند. با رسیدن به استقلال اقتصادی، این انگیزه در آن ها از بین می رود و در نتیجه، می بینیم بسیاری از آنان رغبت چندانی به ازدواج ندارند.

برخی از صاحب نظران غربی نیز بر نقش عناصر فرهنگی تأکید کرده و اظهار داشته اند: زنان به دلیل آن که مزایای اقتصادی اشتغال، امنیت و رضایت شخصی بیشتری در مقایسه با ازدواج برایشان فراهم می آورد، به اهداف شغلی اولویت بیشتری داده، در نتیجه، ازدواج را به تأخیر می اندازند. (21)

بنابراین، دخترانی که به ازدواج به عنوان یک تکیه گاه اقتصادی نگاه می کنند، اگر با به دست آوردن شغل به منبع اقتصادی خوبی برسند، دلیلی برای ازدواج ندارند و تا مجبور نشوند، ازدواج نمی کنند؛ چنان که وجود این عامل در زنان بیوه نیز بزرگ ترین مانع برای تن دادن آن ها به ازدواج مجدد است.

2. داشتن شغل از این نظر که هم منبع اقتصادی و هم سرگرمی خوبی است که می تواند در انسان نشاط و شادی به وجود آورد، جایگاه خاصی در بین دختران دارد. گاهی علاقه به شغل در دختران چنان زیاد می شود که به خاطر ترس از دست دادن آن، ازدواج نمی کنند و خواستگاران را به بهانه های گوناگون رد می کنند؛ بنابراین، یکی از انگیزه های ازدواج دختران، که بیرون آمدن از تنهایی و انس گرفتن به همسر است، با شاغل شدن آنان از دست می رود؛ چرا که نزد آن ها شغل به جانشین مناسبی برای ازدواج تبدیل شده است.

3. دختری که شاغل است، معمولاً خواستگاران بیشتری نسبت به سایر دختران دارد. به همین دلیل از تأخیر انداختن ازدواج واهمه ای ندارد؛ چرا که شانس خود را برای ازدواج حتی اگر سن او هم افزایش پیدا کند، زیاد می بیند.

بنابراین، شاغل شدن دختر، (برعکس شاغل شدن پسر که سبب زیاد شدن انگیزه ازدواج است) انگیزه او را نسبت به ازدواج کاهش می دهد. این عامل امروزه در کشورهای غربی تأثیر چشمگیری در کاهش رغبت دختران به ازدواج دارد و حتی بسیاری از دختران و زنان غربی به خاطر همین عامل، تا آخر عمر مجرد می مانند که خود می تواند سبب به وجود آمدن بسیاری از مشکلات اجتماعی و اخلاقی شود.

در کشور ما نیز تأثیر شغل دختران در تأخیر ازدواج، گر چه مثل جوامع غربی نیست، اما کمابیش دیده می شود و خطر گسترده تر شدن آن، وجود دارد.

### ج) عوامل فرهنگی

گر چه کشور ما از فرهنگ غنی و کامل اسلامی برخوردار است، اما به دلایلی همچون نفوذ فرهنگ بیگانه و مانند آن، این فرهنگ کم رنگ شده و سفارش های اکید اسلام به تعجیل در ازدواج و کراهت از تأخیر آن، تا حدی بین جوانان به فراموشی سپرده شده است. جوان ایرانی که در گذشته مهم ترین برنامه اش در نخستین فرصت، ازدواج و تشکیل زندگی بود، امروز دیگر این گونه فکر نمی کند و حتی عده قلیلی زمان ازدواج را مختصّ میان سالی می دانند؛ بنابراین، نفوذ فرهنگ غربی به ذهن جوانان ما، یکی دیگر از عوامل مهم در تأخیر ازدواج و عدم رغبت جوانان به ازدواج به موقع است و ترس این وجود دارد که این فرهنگ مخرب، گسترده و فراگیر شود. به هر حال، عوامل فرهنگی را می توان از سه جهت در تأخیر سن ازدواج مؤثر دانست:

### 1 - متروک شدن ارزش های معنوی

متروک شدن ارزش های معنوی و جایگزین شدن ارزش های مادی، سبب شده است جوانان به همه چیز، از جمله ازدواج، رنگ و لعاب مادی بدهند و به جای آن که کسب فضایل انسانی را هدف خود در زندگی قرار دهند و ازدواج را عاملی برای نزدیک تر شدن به خدا و کامل شدن ایمان بدانند، در به دست آوردن ثروت دنیا و نمایاندن ظواهر فریبنده زندگی مادی، مسابقه بگذارند. این طرز تفکر همه چیز از جمله ازدواج را تحت تأثیر قرار می دهد. اما جوانی که دغدغه اصلی اش حفظ و کامل شدن ایمان و دین داری است، به ازدواج به عنوان مکمل ایمان نگاه می کند و آن را یکی از عوامل و زمینه های کمال می داند و از این رو، تمام امکانات خود را برای به دست آوردن آن بسیج می کند.

### 2. نفوذ فرهنگ آزادی جنسی غرب

از مهم ترین انگیزه های ازدواج، نیاز جنسی انسان و علاقه به جنس مخالف است. با توجه به این واقعیت، اگر جامعه ای به اعضای خود اجازه دهد بدون ازدواج و پذیرش مسؤولیت هایی که در ازدواج متوجه آنان می شود، بتوانند با یکدیگر روابط جنسی برقرار کنند، طبیعی است که دیگر دست یابی به شریک جنسی نمی تواند انگیزه نخستین ازدواج باشد و در نتیجه، شمار زیادی از جوانان ترجیح می دهند از ازدواج امتناع ورزند و نیاز جنسی خویش را با هزینه های کمتر برآورده سازند. از این رو، بالا رفتن سن ازدواج در کشورهای غربی، با رشد هم خانگی یا زندگی مشترک زنان و مردان ازدواج نکرده، همراه بوده است. (22)

بنابراین، فرهنگ غربی، ازدواج را مانعی بر سر راه آزادی و لذت بردن بی حد و حصر از شهوات می داند و به همین دلیل، بنیان خانواده در غرب به شدت متزلزل است؛ متأسفانه این فرهنگ در بین برخی از جوانان ما نفوذ و آنان را از ازدواج دور کرده؛ به گونه ای که برخی از جوانان امروزی، تنها کارکرد ازدواج را «کارکرد جنسی» می دانند و با برخورداری کمابیش آزاد از تمتعات جنسی، نیازی در خود به ازدواج نمی بینند؛ مگر آن که به سنین بالا برسند و دیگر توان گذشته را از دست بدهند که در این صورت، همسر برای آنان حکم پرستار را خواهد داشت.

### 3 - آرمانگرایی جوانان

بعضی از جوانان امروزی به علت خام و نپختگی زیادشان، که هیچ تناسبی با زندگی پیچیده کنونی ندارد و نیز به علت عدم اعتماد به تجربه های والدین و قدیمی دانستن آن ها، از واقعیت های زندگی بی اطلاع مانده اند و در نتیجه، نمی توانند درباره موضوعی همچون ازدواج، واقع گرا باشند؛ بلکه آرمانی فکر می کنند و در عالم خیال زندگی می کنند. این طرز تفکر یکی از دو پیامد منفی ذیل را دارد: یا ازدواج نمی کنند و منتظر همسری آرمانی هستند و یا ازدواجی از روی احساسات می کنند که نتیجه آن شکست خوردن و سرخورده شدن از ازدواج است.

### عوامل و راهبردهای کاهش سن ازدواج

برای مبارزه با معضل اجتماعی بالا بودن سن ازدواج، راه حل های زیادی وجود دارد که کمابیش از گذشته مطرح بوده و فراروی مسؤولان و متصدیان کشور قرار داشته است. به نظر می رسد دیگر زمان دادن راه حل تمام شده و باید در مسیر عملی ساختن این راه حل ها قدم برداشت. تنها راه رهایی از این مشکل آن است که ملت و دولت دست به دست هم دهند و با برنامه ریزی های کلان فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، سعی در رفع این مشکل بزرگ داشته باشند؛ شاید نقطه آغازین و در عین حال، بسیار مهم حل مشکل این باشد که ابتدا سعی کنیم تفکر و شناخت جوانان را عوض کنیم و آنان را از مادی گرایی و سطحی نگری، به معنویت و توجه خدا و دین باوری، سوق دهیم. حال با توجه به عوامل افزایش سن ازدواج که در ابتدای یادداشت عنوان شد، راهبردها و عوامل کاهش سن ازدواج نیز در همان غالب مطرح می شوند:

### الف) راهبردهای فرهنگی

همان گونه که گفته شد، تغییر نگرش ها و شناخت های افراد کمک زیادی به تغییر رفتار آنان می کند و هر تغییری بدون داشتن زیرساخت های فکری محکم، دوامی نخواهد داشت. وظیفه مهم متصدیان امور فرهنگی مثل حوزه، دانشگاه، صدا و سیما، مطبوعات، هنر و مانند آن، این است که در این زمینه، برنامه ریزی جدی داشته باشند. کارهایی که می توان در این زمینه انجام داد، عبارتند از:

### 1 - ارزش دانستن تأهل

اگر تأهل و همسر داشتن به عنوان یک ارزش و تجرّد ضد ارزش تلقی شود، همان گونه که در روایات اهل بیت (ع) آمده است، کمک زیادی به تغییر نگرش افراد نسبت به سن ازدواج می شود. (24) لازمه این کار آن است که فرهنگ دینی در ازدواج، جایگزین فرهنگ مادی شود و نگرش جوانان ما به ازدواج همان نگرش اولیای دین باشد که به آن به عنوان وسیله ای برای نزدیک شدن به خدا نگاه می کردند. (25)

## 2- درجه بندی ملاک های انتخاب همسر

در فرهنگ دینی، مهم ترین ملاک برای انتخاب همسر، ایمان و اخلاق است و ملاک های دیگر از اهمیت کمتری برخوردارند. (26) این در حالی است که در جامعه کنونی ما، ملاک هایی همچون مدرک، ثروت، پست و مقام و به طور کلی، مظاهر مادی بیشترین اهمیت را دارند. به همین سبب، تمام تلاش جوانان این شده است که از هر راهی، امتیازات مزبور را به دست آورند و از این طریق، به مقبولیت اجتماعی کافی برسند.

اما به سبب آن که رسیدن به این ملاک ها، زمان زیادی می طلبد، به ناچار از ازدواج در ابتدای جوانی محروم می شوند و بدین روی، سن ازدواج افزایش می یابد؛ اگر مسؤولان فرهنگی کشور ارزش های واقعی را، که ایمان و اخلاق در صدر آن است ترویج کنند، نه تنها سن ازدواج کاهش پیدا می کند، بلکه بسیاری از مشکلات دیگر نیز حل خواهد شد.

## 3- گسترش فرهنگ حجاب

در جامعه ای که فرهنگ «حجاب» حاکم باشد و رابطه با نامحرم طبق موازین شرعی باشد و از اختلاط های مضر و فسادانگیز بین پسر و دختر پرهیز شود، زمینه برای ارضای نیازهای جنسی بسیار کم می شود و در نتیجه، تمتعات جنسی منحصر به خانواده و ازدواج می شود. همین امر موجب می شود احساس نیاز به ازدواج در جوانان افزایش یابد و آن ها زودتر ازدواج کنند. اگر فرهنگ حجاب کم رنگ شود و پسران و دختران محدودیت زیادی در ارتباط با یکدیگر نداشته باشند، انگیزه آنان برای ازدواج کاهش می یابد و در نتیجه، سن ازدواج بالا می رود؛ چنان که یکی از علل فرار جوانان غرب از ازدواج، همین موضوع است؛ چرا که ازدواج را مانع آزادی بی حد و حصر خود می بینند.

## 4- گسترش فرهنگ قناعت و ساده زیستی

اگر در جامعه ساده زیستی و استفاده از حداقل امکانات مادی ارزش شود و یا دست کم صدارزش نباشد، سن ازدواج کاهش پیدا می کند؛ اما اگر داشتن خانه و اتومبیل مدل بالا و امکانات مادی ارزش شود و چشم و همچشمی های زیان آور گسترش یابد، جوان امروزی ما ناچار است به دنبال تهیه آن برود و تا وقتی آن را تهیه نکرده است، ازدواج نکند. در نتیجه، از داشتن خانواده در سن جوانی، محروم می ماند.

## 5- ازدواج در خلال تحصیل

همان گونه که گفته شد، یکی از عوامل افزایش پیدا کردن سن ازدواج، تحصیل است. اگر به گونه ای برنامه ریزی شود که دانشجویان قادر باشند در خلال تحصیل، ازدواج کنند، سن ازدواج در بین این قشر، که مهم ترین و حسّاس ترین بخش جامعه هستند، کاهش پیدا می کند.

این امر مشروط بر این است که خانواده ها اولاً، اهمیت موضوع را درک کنند و متوجه این موضوع باشند که چه خطرهای بزرگی فرزندان دانشجوی آن ها را تهدید می کند و چه مشکلات روحی و روانی زیادی در اثر تأخیر ازدواج برای آنان به وجود می آید که با ازدواج کردن، همه یا بیشتر این مشکلات حل می شود؛ ثانیاً، با برنامه ریزی دقیق و هماهنگ و کمک دانشگاه ها و دیگر نهادهای ذی ربط، به گونه ای برنامه ریزی کنند که دانشجویان با حداقل امکانات بتوانند ازدواج کنند و در عین حال، درس خود را نیز ادامه دهند.

جوان دانشجو اگر امکان ازدواج داشته باشد، حتی به صورت ماندن در دوران عقد و نامزدی قبل از عروسی، هم از برکات مادی و معنوی ازدواج بهره مند می شود و هم با انگیزه بیشتری درس و تحصیل را دنبال می کند؛ دانشجو اگر احساس کند آینده روشنی دارد و می تواند مسؤولیت زندگی را که با ازدواج بر عهده او گذاشته شده است، به دوش کشد، کمتر در پی فعالیت ها و برنامه های غیردرسی و حتی صددرسی می رود؛ بلکه همه تلاش و همت خود را صرف بهتر کردن زندگی و بالاتر بردن سطح آن می کند.

## ب) راهبردهای اقتصادی

عوامل اقتصادی یکی از عمده ترین دلایلی است که جوانان برای تأخیر ازدواج خود مطرح می کنند. برای این که این عامل مهم را کاهش بدهیم، در دو جهت باید برنامه ریزی کنیم:

1. حتی الامکان هزینه ها را کاهش بدهیم.

2. منابع اقتصادی و تولید ثروت را برای جوانان فراهم کنیم.

بنابراین، راهبردهای ذیل می توانند ما را در عملی ساختن دو هدف مزبور یاری دهند:

## 1- کاستن از هزینه های اضافی

بسیاری از هزینه هایی که در زندگی صرف می شود، اعم از هزینه های جشن عقد و عروسی، یا جهیزیه، مسکن و سایر لوازم زندگی، ضرورت ندارد و امکان حذف یا کاهش آن ها هست. اگر پسر و دختر و خانواده هایشان تصمیم بگیرند هزینه های غیرضروری را حذف کنند و به حداقل امکانات اکتفا نمایند، امکان ازدواج برای بیشتر جوانان فراهم می شود.

این که جوانان ما یا خانواده هایشان این تصور را داشته باشند که در ابتدای زندگی، باید از همه یا بیشتر امکانات مادی برخوردار باشند و در برگزاری مراسم عقد و عروسی، هزینه های سنگینی بر یکدیگر تحمیل کنند، نتیجه ای جز فرار جوانان از ازدواج نخواهد داشت.

## 2- هم یاری در هزینه های ازدواج

همان گونه که خداوند همه مردم جامعه را به یاری جوانان برای ازدواج و تشکیل زندگی دعوت می کند، همه افراد، به خصوص افراد متمول، وظیفه دارند در این امر خیر شرکت کنند. همچنین اگر تربیتی داده شود که افراد نزدیک به خانواده پسر و دختر، به صورت یک رسم و عادت نیکو، بخشی از هزینه های ازدواج را به عهده بگیرند، کمک بزرگی به تحقق این هدف می شود.

این پیشنهاد گر چه ظاهر ساده ای دارد، اما در عمل، تأثیر شگفت انگیزی در هموار ساختن مسیر ازدواج جوانان از خود به جای می گذارد و چون این مشکل عمومیت دارد و هر کسی خود را محتاج کمک می بیند، همه مردم در این امر خیر شرکت خواهند کرد.

### 3- پرداخت وام های قرض الحسنه برای ازدواج

قرض الحسنه، که یکی از ست های خوب و گره گشای اسلامی است و در آیات فراوانی از قرآن بدان تشویق و تأکید شده، (27) تأثیر فوق العاده ای در حل مشکلات اقتصادی جامعه دارد. اگر این ست حسنه، که امروز در گوشه و کنار جامعه تحت عنوان «وام ازدواج» وجود دارد، گسترش یابد و وام های طولانی مدت و کم بهره به جوانان برای ازدواج و تهیه وسایل زندگی داده شود، چنان که از برنامه های مهم دولت جدید شمرده شده است، کمک زیادی به ازدواج جوانان و در نتیجه، کاهش سن ازدواج، خواهد شد.

### 4- ایجاد شغل های پاره وقت در دوران تحصیل و مانند آن

امروز دغدغه اصلی جوانان و به ویژه دانشجویان، اشتغال است. متأسفانه در آموزش و پرورش و آموزش عالی ما طوری برنامه ریزی نشده است که همه فارغ التحصیلان خود را به ابزار و فنون شغلی مجهز کنند؛ همان گونه که نیروی نظامی نتوانسته است برای سربازان وظیفه، که خیل عظیمی از جوانان کشورند، در این زمینه کاری بکند و دست کم هر یک از آنان را در مدت سربازی به فن یا صنعتی مجهز کند.

البته کارهایی در تحقق این هدف انجام داده اند، اما اصلاً کافی نیست. برای مثال، اگر دانشجوی جوان ما بتواند در خلال تحصیل، شغل مناسبی داشته باشد، می تواند بسیاری از هزینه های زندگی خود را تأمین کند؛ لازمه این کار آن است که آموزش های کاربردی و فنی در طول تحصیل گسترش یابد و تعداد واحدهای نظری غیرضروری کاهش پیدا کند.

### 5- تشویق به زندگی در کنار خانواده یکی از زوجین

در زمان های گذشته اکثر جوانان، ابتدای زندگی خود را در کنار والدینشان آغاز می کردند و به مرور زمان سعی می کردند با پس انداز و امثال آن، از پدر و مادر خود جدا و مستقل شوند. اگر بتوان این فرهنگ را دوباره زنده کرد و جوانان و خانواده هایشان را به پذیرش این امر تشویق کرد، کمک زیادی به حل مشکل ازدواج می شود.

### ج) راهبردهای اجتماعی

به دلیل آن که جامعه مجموعه ای از واحدهای کوچک تر به نام «خانواده» است، بهترین جایگاه کمک به ایجاد خانواده و فراهم ساختن ازدواج جوانان، خود جامعه است. از این رو، برای حل مشکل ازدواج جوانان و جلوگیری از افزایش سن ازدواج، چاره ای جز همکاری و همیاری همه افراد و آحاد جامعه نیست. راهبردهای اجتماعی که می توان در این زمینه ارائه داد، به قرار ذیل است:

#### 1- فراهم کردن شرایط ازدواج آسان

دولت مردان و متصدیان امور اجتماعی وظیفه دارند به عنوان انجام یک کار جدی، برنامه دقیقی برای حل این مشکل ارائه دهند. همچنین با تشویق مردم، به خصوص افراد متمول، جوانان را در این امر یاری دهند. مسلماً اگر دولت و مسؤولان امر، قدمی در این راه بگذارند، همه مردم به کمک آن ها می شتابند؛ چرا که این یک مشکل همگانی است و همه افراد به گونه ای با آن درگیرند.

#### 2- گسترش مراکز مشاوره ازدواج

یکی از دلایلی که جوانان را از ازدواج دور کرده، نداشتن اطلاعات صحیح از ازدواج و وجود بدبینی های بی مورد است. بسیاری از جوانان نسبت به اصل ضرورت ازدواج بی اطلاع هستند و برخی هم از افکار ناصحیح و خرافی در این زمینه رنج می برند. وجود مراکز مشاوره ازدواج کمک شایانی به جوانان می کند و دغدغه های بی مورد آنان را برطرف می سازد.

#### 3- کنترل مهاجرت روستاییان به شهرها

از بین همه خسارت ها و ضررهایی که در مهاجرت روستاییان به شهر وجود دارد، مشکل افزایش سن ازدواج، جایگاه ویژه ای دارد. اگر بتوان با افزایش امکانات زندگی در روستاها و ایجاد اشتغال برای آنان، از مهاجرت آن ها جلوگیری کرد و آنان را به ماندن در روستا و تولید محصولات کشاورزی و دامی و امثال آن تشویق نمود، علاوه بر حل بسیاری از مشکلات اجتماعی، از افزایش سن ازدواج نیز جلوگیری خواهد شد.

#### 4- جلوگیری از بی بند و باری و ابتذال و فساد اخلاقی

یکی از راه های پیشرفت جامعه پیاده کردن قانون اساسی و جلوگیری از متخلفان و بر هم زندگان نظم و قانون است. اگر از فساد و ابتذال، به خصوص در حوزه اخلاق و مسائل جنسی، جلوگیری نشود و با افراد متخلف برخورد جدی صورت نگیرد و در مقابل تهاجم و شبیخون فرهنگی دشمن، سیاست تسامح و تساهل اجرا شود، جامعه چنان دچار آشفتگی می شود که نخستین ضرر آن متوجه نهاد مقدس خانواده می شود و جایگاه آن را تضعیف می کند.

امروز کم نیستند جوانان پاک و مؤمنی که شریک زندگی مناسبی برای خود نمی یابند. تأثیر مخرب گسترش فساد و فحشا و ابتذال و به خصوص مواد مخدر بر تزلزل کانون خانواده و بدبینی جوانان به ازدواج، چیزی نیست که بر کسی پوشیده باشد. اگر متصدیان اجتماع برای مبارزه با مفاصد اخلاقی کمر همت ببندند و این دام های خطرناک را از جلوی جوانان بردارند، برکات زیادی نصیب جامعه کرده اند که یکی از آن ها هموار شدن راه ازدواج جوانان است.

با توجه به آثار جسمانی، روانی، اجتماعی و فرهنگی ازدواج، باید موانع پیش روی را برطرف نمود و تمام تلاش خود را صرف کرد تا این سنت الهی در اوایل جوانی به انجام برسد و جوانان از فواید بی شمار آن برخوردار شوند و در یک زندگی بالنده و بانشاط و به دور از دغدغه و انحراف، قرار گیرند. این مهم با همت آحاد مردم و خانواده ها و مسؤولان فرهنگی و اقتصادی کشور از طریق فرهنگ سازی، مبارزه با اعتقادات غلط، کاهش تجمل گرایی، احساس مسؤولیت بیشتر در رابطه با جوانان، کمک مالی و معنوی به فرزندان، پیروی از دستورات دینی، اختصاص منابع مالی بیشتر به ازدواج جوانان و تشویق و ترغیب به ازدواج حاصل می آید.

سجاد محمدی فارسانی

- 1- ر. ک. محسن ایمانی، «ازدواج در سنین بالا»، مجله اصلاح و تربیت، ش 63 (فروردین 1379)، ص 13.
- 2- روم: 21.
- 3- شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت، 1416، ج 20، ص 44.
- 4- مولی محسن فیض کاشانی، محجة البیضاء، قم، جامعه مدرسین، 1383 ق، ج 3، ص 54.
- 5- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، 1403، ج 10، ص 93.
- 6- همان، ج 100، ص 220.
- 7- همان، ص 219.
- 8- شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج 20، ص 17 / محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، 1362، ج 4، باب 1636.
- 9- شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج 20، ص 45.
- 10- محمدباقر مجلسی، پیشین، ج 100، ص 217 / شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج 20، ص 43.
- 11- شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج 20، ص 45.
- 12- عبدالعلی بن جمعه حویزی، نورالثقلین، قم، اسماعیلیان، 1370، ج 3، ص 597.
- 13- محمدباقر مجلسی، پیشین، ج 71، ص 80.
- 14
- 15- محمدباقر مجلسی، پیشین، ج 16، ص 223 / شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج 20، ص 61.
- 16- شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج 20، ص 61 و 104.
- 17- حسین بستان، اسلام و جامعه شناسی خانواده، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، 1383، ص 28.
- 18- غلامرضا صادقیان، «سنّ ازدواج چرا افزایش یافته است؟»، روزنامه کیهان، ش 17130، 19 تیر 1380، ص 5.
- 19- غلامرضا صادقیان، «سنّ ازدواج چرا افزایش یافته است؟»، روزنامه کیهان، ش 17130، 19 تیر 1380، ص 5.
- 20- «؟»، روزنامه کیهان، ش 16873، 20 بهمن 1380، ص 5
- 21- حسین بستان، پیشین، ص 23
- Spanier, Graham B. (1991), "Cohabitaion: Recent Changes in the U.S." in John . Edwards and David H. \_ 22
- .Demo (ed) morriage and Family in Transition, Boston and London: Allyn and Bacon
- 23- حسین بستان، پیشین، ص 25.
- 24- ر. ک. محمدباقر مجلسی، پیشین، ج 100، ص 225-218.
- 25- رسول خدا(ص) نظر امام علی(ع) را درباره ازدواج با حضرت فاطمه(س)پرسید، ایشان پاسخ دادند: «نعم العون علی طاعة الله»؛ یاور خوبی برای من در اطاعت از خداست. (محمدباقر مجلسی، پیشین، ج 43، ص 117).
- 26- پیامبر اکرم(ص) در روایتی فرمود: کسی که از دین و اخلاق خوبی برخوردار است، اگر به خواستگاری دخترتان آمد، به او همسر بدهید؛ چراکه اگر چنین نکنید، فتنه و فساد بزرگی در زمین ایجاد کرده اید. (شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج 20، ص 86).
- 27- ر. ک. بقره: 245 / مائده: 12 / حدید: 11 و 18 / تغابن: 17 / مزمل: 20